

- فکری و اخلاقی تاهر حدی که این قوای سه گانه را داراست
نفوذ و قدرت و توانائی او نیز بهمان درجه است فهم و دانستن
دنیا و آنچه که در آنست بعبارت دیگر محیطی که او را احاطه
کرده است زمین - آسمان - کوه دشت صحرا - دریا - مناه
- خورشید - سیارات منظومه های شمسی - لوح - کرسی
کهکشانی - کار ماهی خلاصه کلام فضای لا یتناهی که در
دانستن ابتدا و انتهای عرض و طول ان عقل عاقلترین حکماء و
فضلاء اعصار گذشته و حال بلکه آینده مشغول تمیز و دانستن
و فهمیدن و پی بردن تمام اینهاست منوط بدرجه علم و
دانش اوست .

اگر علم و دانش او محدود بعلوم ابتدائی است زندگانی
خود را نیز مطابق همان معلومات ترتیب خواهد داد اگر فوق
است - فرض کنید متوسط - زندگانی او نیز بر طبق اطلاعات
متوسط نقش خواهد بست ! اگر عالی است درجات عالی زندگانی
را سیر خواهد نمود اگر اولین درجه معلومات علوم و فنون
امروزی را داراست یقین کنید و قبون داشته باشید که يك
زندگانی اولین درجه امروزی را برای خود مرتب خواهد نمود
و هیچ گوش بحرفهای شما هم نخواهد داد بر طبق تعلیمات و
تخصیلات و معلومات خود امور زندگانی خود را اداره خواهد
نمود حال شما با این همت بلند و کوتاه که اولی نتیجه تعلیم و
تربیت و دومی میوه تلخ جهل و نادانی است هر يك را می -
خواهید داشته باشید اگر زندگانی آبرو مندی را طالبید باید

وسایل و اسباب دانستن و فهمیدن آنرا برای ملت خود فراهم
بیاورید اگر نه آن قسمت ثانی زحمت ندارد و باسباب و وسایل آن
نیز احتیاج نیست خود بخود برای هر ملتی فراهم میشود.

تحصیل علم و صنعت و فنون با زحمت و رنج توأم است
جهالت خود ما در تمام بدبختی هاست که نتاج حرام خود را
خود بخود بوجود آورده بر شد خواهد رسانید محتاج بزحمت شما
نیست - درست فکر کنید ایران چرا نمیتواند يك ماشين
خیاطی بسازد از اختراع هیچ صحبت نمیکنیم بلکه می خواهیم
تقلید کنند چرا نمیکنند؟ برای اینکه علم ندارد ایرانی چرا نمی
تواند بداند چه معادن قیمتی در ایران وجود دارد؟ برای اینکه
از علم معدن شناسی بی بهره است و تحصیل نکرده - زراعت
ایرانی که شغل اجدادی اوست يك پیشه شرافتمندی است چرا
با همان آلات و ادوات عهد بابا آدم عمل میشود؟ برای اینکه
درجه معلومات او بیش از این نیست شما علم و دانش او را در
این فن زیاد کنید اگر قبول کرد دیگر با آن اسباب زراعت
کنند؟ هرگز نخواهد کرد اینکه حالا با تمام قوت و قدرت به
کاو آهن نمونه دو هزار سال پیش از این چسبیده و علاقه دارد
و نمیتواند جدا شود و جدا هم نمیشود برای اینست که طریق
دیگر یا آلت دیگر شکافتن زمین را ندیده و نمی داند اگر
معلومات او به آن درجه رسید ممکن است با این چنین کاو آهن
دیگر زراعت کند.

شهر نیویورک که ترقیات حیرت انگیز آن دنیا را مبهوت

نموده است طرز بنا و ساختمان آنجا يك وضع غریبی است بنا های آنجا غالباً پنجاه شصت مرتبه است زمین آنجا نیز تماماً سنك است در حقیقت شهر نیویورك روی سنك بنا شده است در حقیقت وقتیکه میخواهند يك بنائی بر پا کنند باید جای بنا را يك مقدار زیادی کنده پائین بروند تا پایه های يك چنین بنائیرا محکم نمایند البته كندن يك چنین زمینی كه از سنك خالص است با آلات و ادوات شرقی و اتمام بنای آن اقلاً صد سال لازم خواهد داشت آنوقت برای اولاد چهارم شخص بانی وصلت خواهد داد اما اینطور نیست بكنوع آلات و ادوات اختراع شده است كه با كار گذاشتن يك موتور تمام آن آلات و ادوات بكار افتاده با مساعدت و هدایت يك عده معین عمله آن صخره های سخت را متلاشی میکنند وقتیکه انسان در كنار ایستاده تماشا میکند تصور مینماید در میان يك جنك خوفناکی واقع شده است كه از طرفین تویها آتش فشانی میکنند وقتیکه انسان با استاد و بنا های ایرانی صحبت میکند و ترقیاتیکه در این فن پیدا شده به آنها حكایت مینمایند در جواب میگویند برو بابا خدا پدرت را بیامرزد عمله گی كه دیگر عالم ندارد معلومات نمیخواهد همین هم كه هست از سر ما زیادی است.

اگر فكر بكنید خواهید دید حق با اوست راست میگوید
تقصیر هم ندارد زیرا كه درجه اطلاعات او بیش از این نیست و
در این درجه هم بیش ازین نباید از او انتظار داشت درجه علم
و اطلاع او را قدری بالا ببرید بعمل نه بحرف آنوقت ملاحظه

خواهید کرد چه تغییرات محسوسی در سلیقه او پیدا شده و این سلیقه در بناهایی که میسازد و بنا میکند چه خوب دیده میشود و محسوس میگردد.

لازم نیست بنا و معمار را مثل بز نیم يك نجار را امتحان کنید مادامیکه کارهای او از روی علم نیست و این صنعت ذی قیمت را در مدرسه تحصیل نکرده و عمل ننموده است بهیچ تناسب و ظرافت و قشنگی و سلیقه در نجاریهای او دیده نمیشود همینکه از روی علم عمل نمود بحسن و زیبایی آن افزوده میشود. يك آهنگر هم همینطور است هیچ فرق نمیکند وقتی که از روی اصول علمی استاد شد قادر خواهد بود در فن خود انواع و اقسام اختراعات بکند و همینکه تحصیل کرد و یاد گرفت در کارهای او تناسب و سلیقه دیده خواهد شد.

در هر حال تمام شغل های مهم و کارهای اساسی اصول ثابت منظم و مرتب دارد که انسان اگر بخراهد آنها را فرا گیرد باید از راه مدرسه و از طریق تعلیم و تربیت باشد بنظر من کافی است که بگوئیم هر قدر درجه معلومات شماست بهمان درجه قدرت و توانائی شماست و فوق اطلاعات خود هیچ کاری نمیتوانید انجام دهید راننده يك اتومبیل نمی تواند عمل يك میکانیکی تحصیل کرده را انجام دهد يك میکانیکی مدرسه دیده نمیتواند قدرت و توانائی و علم و اختراع يك مخترع را که سالها عمر خود را در دارالفنون های این فن بتحصیل علم و اطلاع صرف نموده داشته باشد سایر علوم و فنون و صنایع را از روی همین ها قیاس باید کرد علم هر کس در يك

رشته بخصوص بیشتر باشد قدرت و توانائی او در آن صنعت از سایرین بیشتر است بقول دانشمند معروف انگلیسی لرد بیکن (۱) که میگوید دانش قدرست (۲) هرگاه دانش - علم صنعت و فن يك رشته را دارید در آن رشته دارای يك قدرت و استعدادی هستید که دیگران - آنهائیکه به آن پایه نرسیده اند آن قدرت و استعداد را دارا نیستند .

نمیدانم توانستم خوب متصود خود را ادا کنم یا نه باز خودم راضی نیستم که بقدر کافی خیال و نظر خود را روی کاغذ آورده باشم اگر هم روده درازی میشود باشد من میخواهم بگویم آن نجاری که نمیتواند مانند يك نجار تحصیل کرده و استاد شده میز و صندلی بسازد برای اینستکه اطلاعات او در این فن بیش از این نیست میخواهید بهتر باشد بگذارید تحصیل کند و علم این فن را فرا گیرد :

آن آهنگری که نمیتواند مانند يك استاد مدرسه دیده و تحصیل کرده از روی قواعد مخصوص این فن آهنگری کند تقصیر ندارد بیش ازین ممکن نیست يك آهنگر خودرو بلد باشد اگر از کار او راضی نیستید وادارید در مدرسه که برای این فن دایر نموده اید تحصیل کند یاد بگیرد قواعد و اصول مخصوص این فن را بیاموزد آن تاجر یکه جز کلاه کلاه طریق دیگر تجارت را بلد نیست تقصیر ندارد جز این اصول اصول دیگر در تجارت ایران معمول نبوده اگر نمی پسندید مدرسه تجارت باز

(1) Lord Bacon (16)

(2) Know ledge is Power

کنید یکعبه را در فن تجارت تعلیم دهید اگر انتظار دارید
تجار مادرزاد خودروی شما از روی علوم و معلومات امروزی
در ایران تجارت کنند همان اصول و همان قواعد که برای
تجارت در ممالک انسانها معمول است در ایران هم تعلیم و
تدریس کنید آنوقت است که تجار عالم بصیر و مطلع خواهید داشت
احتیاج بمعلم دارید باید فن تعلیم را در مدرسه معلمین
تحصیل نموده باشد تا بتواند از روی علم و اطلاع تحصیل کند
فن تعلیم و تدریس اصول و قواعد معلوم و معین دارد برای هر
طبقه از شاگردان هم جدا جدا دروس مشخص و معلومی است
معلم هر طبقه باید آنها را علماً تحصیل نموده و باعلا درجه فن
معلمی را سیر کرده باشد و الا هر قدر شاگردان باهوش و دارای
استعداد در تحت تعلیم او بگذارید نتیجه مطلوب حاصل نخواهد
شد عوض نفع زیان خواهید برد

قضاوت عادلانه میخواهید باید قضاوت عالم و تحصیل کرده
دارای معلومات این فن نادر را داشته باشید قاضی خودرو در
دنیا وجود ندارد اینکه نمیشود بعدالت سر و صورت داد برای
این است که مدرسه این فن وجود ندارد اگر دارد کامل نیست
اگر تکمیل است عیوب دیگر دارد اگر نداشت یقیناً يك آثار
و علایم عملی محسوس میشد - ناچارید قضاوت با معنی داشته
باشید که دارای آن روح و شهامت باشند که هیچ قوت و قدرتی
نتواند جز حس و وظیفه قضاوت در آنها تأثیری داشته باشد
اصلاحات عدلیه شما هم تا حدیست که اولیای آن اطلاع و بصیرت

دارند فوق آنرا نباید انتظار داشت بیش از این اگر انتظار دارید آنها را دارای بیش از این معلومات بکنید و از آنها بیشتر معلومات بخواهید که تحصیل نمایند و اسباب آنرا هم برای آنها فراهم بیاورید يك قاضی ایرانی نمیتواند مانند يك قاضی فرانسه تحصیل کند چون اسباب و وسایل آن در این مملکت فراهم نیست اگر هست نشان بدهید - چون نیست وجود آنها نیز نادر است .

اجازه میدهید يك چند کلمه هم در باب سیاسیون خودروی وطن خویش صحبت نمایم همانطوریکه يك نجار يك آهنگر - يك تاجر - يك معلم و يك قاضی ممکن نیست بدون تحصیل و فرا گرفتن اصول و قواعد و معلومات فن خویش به مقامی برسد که جامعه ملی او از علم و دانش و عمل و تجارت و تعلیم و قضاوت او برخوردار گردد بهمان دلیل و برهان نیز ممکن نیست يك سیاست مدار خودرو بتواند بملت و وطن خویش خدمت نماید .

و قتیکه يك سانس از تاریخ - ادبیات - آداب - شئون اخبار و احادیث - صناعت - تجارت - زراعت - آب و هوا - اقلیم - زمین - رودخانه - دریاچه - سواحل - دریاها - جنگلها - واردات - صادرات - منابع ثروت - معادن - احتیاجات - بازارها - خریدار - مشتری - نرخ اجناس - ترقی و تنزل قیمتها - میزان ثروت ملی - میزان پول رواج - مقیاس پول رواج در مملکت - فرق بین مقیاس طلا و نقره - علل انحطاط - اسباب ترقی - اسباب از دیاد سکنه - علل تنزل توالت و تناسل و هزاران

اطلاعات دیگر که باید يك سائس حقیقی وطن خواه و ملت دوست آنها را بداند و بفهمد و تحصیل کند و در موقع زمامداری خود از آنها استفاده نماید و بملت و وطن خود خدمت کند و باید بتمام اینها آشنا باشد ولی برعکس هیچ مدرسه ندیده و تحصیل نکرده معلوم و فنون سیاستمداری مانوس نیست محال است بتواند در این جار و جنجال و کشمکشهای دنیا که وظیفه بس مشکل برای يك زمامدار تهیه نموده است از عهده انجام خدمات محوله برآید - اینک و کلاء مجلس و وزراء کابینه ها نمیتوانند مصدره يك خدمات برجسته واقع شوند برای اینستکه فنون سیاست را در مدارس تحصیل نکرده اند و آنچه را که تحصیل کرده اند و نمیدانند و ندارند نمیتوان از آنها انتظار داشت با همان برهان و دلیل که برای يك نجار آوردیم و برای آهنگر ایراد کردیم در حق تاجر - معلم - قاضی قائل شدیم باید درباره سیاسيون خود نیز قائل شویم غیر ازین چاره نداریم .

چنانچه دو و دو را که در هم ضرب کردیم نتیجه ضرب چهار است این نوع مسائل نیز مانند مسائل ریاضی يك نتیجه واضح و روشنی بدست میدهند .

سیاسيون ما چون معلومات فن سیاست را ندارند انتظار خدمات شایان و برجسته هم از آنها نداریم کسی هم در اینجا مقصر نیست نه ما نه شما و نه آنها هیچ يك تقصیر نداریم درجه معلومات آنها تا این حد است تجاوز از حدود علمو که انسان فقط يك حد معین را داراست ممکن نیست من که حرف میزنم

بقدر فهم خودم است و آنچه که شما میگوئید و میکنید و فکر می کنید بقدر فهم خودتان و آنچه که سیاسیون ما میگویند و میکنند بقدر فهمشان همین است که هست و عین حقیقت است. گر تو نمی پسندی تغییری در قضا را

اما جان کلام اگر از کردار - گفتار و دانش سیاسیون خود روی خود راضی هستیم چه بهتر دعوائی نداریم بگذار یکی دو قرن هم اینطور باشد چه ضرر دارد شاید تا دوست سال هم دنیا روی همین باشند گردید و برای ما يك مدت دوست سال مهلت فراهم شد چه فرصت و فرجه بهتر از این شاید آزمایش ادوار گذشته کافی نبوده این دوست سال آینده را هم روی همین اصل عمل میکنیم و این مدت را صرف آزمایش مینمائیم.

اینکه شوخی است گمان نمیرود جدی باشد آزمایش و تجربه بس است از يك انسان خود رو يك عمل منظم سود مند حاصل نمیشود وقتی میتوان از نتیجه سعی و عمل او برخوردار شد که او را تعلیم و تربیت نموده باشید و او را در يك فن بخصوص عالم و ممیز نموده باشید آنوقت از وجود او هم خود او هم شما و هم ملت بر خوردار خواهد شد و قتیکه این طور نیست وجود او عاطل و باطل است - از وجود بکنفر سانس و از طرز سیاستمداری و زمام داری او وقتی بهره مند خواهید شد که آن شخص سانس دوره مدرسه علوم و فنون این شغل بس بیچ در بیچ را بمعنای تام و تمام خود تحصیل نموده باشد و در آن فن بر آمد اقران خویش گردد چه این اشخاص با مقدرات

يك ملتى بازى ميكنند با حيات يك ملتى سرو كار دارند كار هر كس نيست اين شغل با شرافت عالي مقام شير مرد كهن سال ميخواهد كه علوم و فنون اين مقام شريف را با تجربه و امتحان يك عمر عمل مخلوط و مهزوج نموده باشد.

قسمت سيم

اينك داخل ميشويم در قسمت سوم تقسيمات استاد متبحر عالم و دانشمند فيلسوف هربرت اسپنسر كه عبارت از تعليم و تربيت جوانان براي زندگاني خانوادگي است - بدون دانستن و تحصيل قواعد و قوانين ان كه براي نظام خانواده و اصول حفظ و حراست افراد يك عائله است ممكن نيست اساس ثابت ان روى يك شالوده محكمي قرار گيرد مگر اينكه يك اطلاعات مفيد و مختصري در اين باب دارا باشد در اينخصوص هيچ اطلاعاتي بهتر از اين نيست كه عين گفتار حكمت امير اين مرد فوق العاده و فيلسوف عالي مقام ترجمه شده باطلاع خوانندگان محترم برسد

اين است ان گفتار :- « حال ميرسيم ب قسمت سوم ان تقسيمات مهم سودمند اعمال بشري كه موضوع بحث ماست يك قسمتي است كه تا امروز مورد توجه هرگز واقم نشده است اگر اتفاقاً روز كار طوري پيش بيايد كه هيچ اناري از ما جز كتب مدارس و اوراق امتحان دارالفنونها باخلاف صدسال بعد مانرسد وقتيكه آنها باين كتب و اوراق نظر كنند خواهند

دید که دروس مدارس عالی و دارالفنونهای علمی فقط برای تعلیم و تربیت کهنه و دیر نشینان بوده است و بس و هرگز برای انجمنی که باید خانواده تشکیل بدهند نبوده است - پروگرام مدارس و دارالفنونهای امروزی ما اسباب تعجب و حیرت آنها خواهد گردید زیرا این یک پروگرام دروسی برای اشخاص منفرد و منزوی است ممکن است در پیش خود اینطور تصور کنند که این پروگرام ها باچه زحمت زیاد برای فرا گرفتن بسیاری از مسائل تهیه شده است مخصوصاً برای تحصیل کتب ملل ازمنه قدیم و ملل معاصر و از اینها معلوم خواهد شد صاحبان این پروگرام ها هرگز کتب مفیدی در زمان خود برای تحصیل و مطالعه نداشتند و باتمام اینها هیچ علائم و آثار تحصیل یادستور در پروگرامهای عربی و طویل آنها برای رشد و نمو و تعلیم و تربیت اطفال بهیچ عنوان دیده نمیشود البته این ملل ممکن نخواهد بود که این اندازه کوتاه بین و غیر مال اندیش باشند یقیناً و ظاهراً این پروگرامها و اوراق امتحان متعلق بدروس کلیساها بوده است و برای تعلیم و تربیت این نسخ از مردم تدوین شده است

واقعاً این یک موضوع بهت آوری نیست ؟ با اینکه حیات و ممات اخلاف ما بسته باین قسمت است خوشی و عزت نفس تفوق قوه اخلاقی مادی و معنوی بشر تماماً باین قسمت مربوط است با این حال یک کلمه هم در باب تعلیم و تربیت قوای مادی و معنوی اطفال و اخلاف آینده که بمرور جا و مقام اولیای

امروز را خواهند گرفت اشاره نشده است؟ آیا این حیرت انگیز نیست که مقدرات نسل آینده بحوادث و پیش آمده های لا یشعر یا عادات و رسوم بی منطق و دلیل احاله شود؟ یا این وظیفه ها را بمعده پدران بی اطلاع یا دایه های جاهل نادان وا گذار کنند یا بدستور پیر زنان متعصب از همه جا بیخبر رفتار شود؟

اگر يك تاجری بدون اینکه از حساب اطلاعی داشته باشد یا دفتر داری بداند که حساب مرتب و منظم برای خود نگاهدارد شروع بتجارت نماید ما از درجه حماقت او در حیرت خواهیم بود و خرابی تجارت و ورشکستگی او بر همه کس مسلم خواهد شد یا اینکه جراحی بدون تحصیل علم تشریح مشغول عمل جراحی شود فوق العاده اسباب تعجب ما شده بمرضای بد بخت يك چنین جراحی دلسوزی خواهیم نمود والدین اطفال نیز همین حال را دارند بدون اینکه از تعلیم و تربیت و رشد و نمو اطفال در خانواده اطلاعی داشته باشند یا از پیدایش و حفظ الصحه و پرورش آنها معلومات کافی دارا باشند این وظیفه پر مسئولیت را عهده دار میشوند اگر والدین و بزرگان يك عائله از اصول تعلیمات خانواده که عبارت از تربیت قوای بدنی - اخلاقی و دماغی اطفال است و باید این معلومات یگانه هادی و راهنمای آنها باشد بی سابقه باشند و به آنها توجهی نداشته باشند و در فکر تحصیل و کتب آنها نیفتند تعجب و دلسوزی برای خود آنها یا اولاد آنها هرگز مورد نخواهد داشت

اگر به ده ها هزار اطفالی که تلف میشوند علاوه کنم

صدها هزار آنهاست که با بنیه های ضعیف علیل باقی میمانند و میلیونهاست که بعد بلوغ میرسند بدون اینکه دارای ساختمان محکم و متین بدنی باشند انوقت شما دارای يك عقیده معلوم و معین در باب ان فلاکتها و بد بختی های بی حد و حسابی که پدران و مادران بواسطه جهالت و بی علمی از اصول و قوانین زندگی و رشد و نمو اطفال نسبت باخلاف ما وارد میاورند دارا خواهید بود .

برای يك دقیقه در اوضاع و تربیت جاری که اطفال باید بر طبق آنها تربیت شوند دقت کنید آثار آنها را که در تمام عمر آنها نفعا و ضرراً در نهاد آنها باقی خواهد ماند مشاهده نمائید خواهید دید تقریباً بیست طریق معمول آنها منجر بخراب و خطا میشود تا يك راه ان بصراط مستقیم منتهی گردد انوقت يك عقیده ثابتی پیدا خواهید نمود که چه خطا های فوق العاده نسبت باطفال معصوم بواسطه تربیت های بی مطالعه زبان آور معمولی و متداولی امروزه مرتکب میشوند - ایا حکم شده است که لباس طفل در فصل سرد و زنده کم و دست و پای ان باز باشد که از سرما متأثر شده کبود گردد؟

اثر این ترتیب لباس در حیات آتیه او معلوم خواهد شد نتیجه آن یا ناخوشی یا عدم رشد و نمو جسمی یا بی بنیه گی یا عدم توانائی و قدرت بدنی در سن بلوغ خواهد شد بالاخره تولید درد و علت نموده وسیله عدم خوشی و کامیابی در زندگانی بعدی او خواهد گردید .

آیا اطفال محکوم هستند که غذای يك نواخت و یکجور صرف نمایند یا غذاهائی برای آنها تهیه شود که ذاتاً قوه کافیه غذائی برای نمو و رشد اعضاء بدن اطفال نداشته باشند؟ قوای نمو و ترقی بدن و دماغی اطفال و بنیه و توانائی متناسب مردان و زنان آتیه بواسطه غذاست سود و زیان آنها بسته بخوبی و قوه غذای آنهاست - آیا باید اطفال را از بازیهای فرح انگیز جلو گیری نمود و آنها را در هوای سرد در اطاقهای گرم حبس کرد؟

البته بدون رعایت این نکات اسباب عدم رشد و نمو قوای بدن آنها را فراهم آورده ایم.

وقتیکه پسران و دختران يك عائله ضعیف و لاغر اندام بار میابند والدین این پیش آمد سوء را نتیجه اقبال بد میدانند و يك بد بختی آسمانی تصور میکنند و طوریکه در میان مردم معمول است خیال میکنند این نواقص علل مخصوص و معینی ندارند و این نیز بکنوع بالای اتفاقی است در صورتیکه هرگز چنین چیزی وجود ندارد در بعضی مواقع بروز نواقص بدن یا دماغی بواسطه ناخوشیهای ارثی است ولی غالب آنها از اثر ترتیبات یا عادات جاهلانه است و عموماً مسبب اصلی و مسؤل عمده درد و الم اطفال والدین آنها هستند پیدایش اطفال ناقص الخلقه عدم رشد و نمو دماغی و اعضاء بدن و بیچارگی و عدم توانائی روحی و جسمی آنها تماماً مر بوط و بسته بوالدین آنهاست زیرا حیات آنها در ید اختیار والدین آنهاست هر دقیقه و ساعت حراست و نگاهداری اطفال بعهد آنها با يك بی توجهی مخصوص

که باید انرا یک شوع ظلم و ستم نامید از تحصیل و دانستن اعمال و وظایف مخصوص اعضاء بدنی که پیوسته از او امر و نواهی آنها اعضاء طفل متأثر میشوند غفلت نموده اند و از دانستن و فهمیدن ساده ترین قواعد علم فیز یولوژی عاجزند سال روی سال میگذرد و آنها درین اوامر و نواهی برخلاف عقل مداومت نموده اعضاء ساختمان بدنی اطفال را از نمو و رشد باز میدارند و باعث بروز ناخوشی ها و اسباب اتلاف و مرک بیموقع اطفال و اخلاف خویش میشوند - نه تنها این اتلاف منحصر باطفال و اولاد خودشانست بلکه از اولاد آنها نیز این نواقص بروز خواهد کرد.

همین نواقص بلکه تا اندازه زیادتر در تعلیم و تربیت اخلاقی اطفال نیز موجودست که بواسطه عدم اطلاع والدین آنهاست يك مادر جوانرا در نظر بیاورید این مادر جوان چند سال قبل خود در همان مدارس تحصیل مینمود و مغز او از يك عده زیادی اسامی - کلمات و تاریخ ها پر شده در صورتیکه برای توسعه قوای دماغی او هیچ اقدامی نشده است و هرگز دران قسمت از تعلیماتی که برای وظایف نسوان معین است و یکی از آنها دانستن اصل نمو و رشد دماغی اطفال است وارد نشده سالهای بعد از مدرسه نیز صرف رقص و موزیک ارایش و هیمنانی و افسانه خوانی گردیده است هرگز از وظایف و تکالیف مادری چیزی یاد نگرفته و هیچوقت ازان قسمت اطلاعات که برای تربیت روحی و فکری اطفالست بهره مند نشده که او را برای يك چنین وظیفه پر مسئولیت مادری آماده کند حال نتیجه پرورش-

- نمو - رشد بدنی - اخلاقی و فکری وجود يك طفل معصوم بشری را که بعهده يك چنین مادری بی علم محول است ملاحظه کنید در صورتیکه این وظیفه یکی از وظایف مهمی است که يك خانم بصیر و مصلحی انجام آنرا عهده دار شود

يك چنین خانم بی علمی بهیچوجه اطلاع از طبیعت و احساسات روحی اطفال ندارد و از درجات نمو و رشد آنها بکلی بی خبر است و از اثرات آنها که از کجا ظاهر میشود و بکجا منتهی میگردد تماماً بی اطلاع است يك چنین مادر جوانی بالطبع در تحت تأثیرات احساساتی است که تماماً مخالف اصول علمی است شاید دارای معلومات مفیدی باشد ولی بهیچوجه مربوط باینموضوع نیست در هر صورت چنانچه از ساختمان جسمی و دماغی بشر بی اطلاعست بهمان درجه نیز هر نوع عملیات و رفتار نسبت بانها اعمال کند اثرات آنها مفید نخواهد بود

وقتی که يك مادری از دانش تظاهرات و تجلیات دماغی بی بهره و از علت اثرات و اعمال آن بی اطلاع است دخالت او غالباً بیشتر زیان آور خواهد بود تا عدم دخالت آن - اعمال و حرکات گوناگون اطفال که کاملاً طبیعی و عادی و مفید است و مادر جوان بی اطلاع در آنها دخالتهای بی جا میکند و دائماً مانع از انجام آنهاست بیشتر سبب خرابی اطفال میشود و عوض تولید خوشی و خرمی در اطفال باعث بد اخلاقی و مانع رشد و نمو قوای روحی و جسمی آنها میگردد - ما در اعمالی را که تصور میکنند مطبوع و مفید است و اطفال باید انجام دهند

و امیدارد اطفال به تهدید یا بوعده انعام یا باحوال تشدد یا تحسین آنها را انجام دهند ولی هیچوقت اراده باطنی اطفال را در نظر نمیآورد که رابطه محکمی با اراده ظاهری آنها دارند و با این رفتار تخم تزویر و ترس - خود پسندی را بجای احساسات نیک و پسندیده در نهاد آنها تهیه میکنند و میکارند و بدون اینکه نتایج سوء تشدد و تغیر را در احوال روحیه اطفال بدانند هر ساعت و دقیقه باین حالت‌های غیر پسندیده متوسل شده اطفال را با کلمات خشن و تند میخواستند تربیت نموده و غفلت دارد از اینکه از تأثیر تربیت در آغوش مادر است که برای دنیا اشخاص مفید و سودمند بحال جامعه تهیه میشوند.

وقتی که مادر های جوان از نتایج معلومات علمی بی اطلاع باشند و علم و دانش دایل راه آنها نشود غیر قابل خواهند بود که اعمال و اثرات روحی اطفال خود را تمیز بدهند و آنها را بفرخور حال و استعدادشان هدایت کنند درین صورت رفتار آنها نسبت باطفال از روی احساسات خلق الساعه بی ترتیب و خطر ناک خواهد بود.

ازین قسمت که بگذریم داخل در قسمت تعلیمات علمی اطفال میشویم و میخواهیم به بینیم آنها را درین رشته چگونه تعلیم و تربیت میکنند و قتیکه تصدیق شهر تجلیات و تظاهرات فکری و دماغی مطابق قوانین مخصوص است و نمو و رشد دماغی اطفال بر طبق همان قوانین میباشد نتیجه این میشود که تعلیم و تربیت ممکن نیست بطور صحیح انجام گیرد مگر اینکه هادی و راهنمای آنها

دارای اطلاعات قوانین فوق الذکر باشند.

اگر شما تصور کنید میتوانید بطور صحیح عمل تجمع و تشکیل افکار و عقاید علمی را در دماغ خود مجسم کنید بدون اینکه ذات و حقیقت آن عمل را بدانید يك تصور باطلی خواهد بود درینصورت چه اختلاف بزرگی بین تعلیمات جاری امروزی و تعلیمات علمی که حقیقتاً میبایست باشد وجود خواهند داشت امروز والدین اطفال جز عده معدودی از علماء هیچ اطلاعی از مباحث علم النفس (۱) ندارند با این حال معلوم است اصول تعلیم و تربیت حاضر چه وضعی را دارا خواهد بود که هم معنای و هم مادتهاً تماماً غلط است وقتی که يك سلسله حقایق صحیح کنار گذاشته شد و بجای آن يك رشته دروس اجباری غلط بطریق غلط و تربیت غلط تعلیم شد نتیجه غلط آن نیز حتمی است

بنا بر این تعلیم و تربیت اطفال در رشته های بدنی - اخلاقی و فکری بطور وحشت انگیزی ناقص است و علت آنهم تا اندازه زیادی اینست که والدین آنها فاقد دانش و اطلاعات لازمه هستند و فقط بواسطه همین معلوماتست که يك تعلیم و تربیت متناسبی میتوان باطفال داد چه میتوان انتظار داشت از کسیکه میخواهد یکی از مسائل مهم غامض را انجام دهد در صورتیکه هیچ زحمتی برای دانستن اصول حل آن نکشیده است برای کفاشی یا معماری یا ملاحی یا مهندسی مدت زمانی تحصیل و شاگردی و عمل لازمست درینصورت آیا تعلیم و

تربیت اطفال و نمو و رشد و تمیز جسمی و روحی آنها این اندازه سهل و آسانست که هر کس بدون سابقه و تحصیل علوم و فنون این فن شریف بتواند عهده دار شود با نظامات و قواعد برای آنها معین نماید؟ اگر چنین نیست و موضوع بس مشکل و یکی از موضوعات مهم عالم طبیعت است و شغل بی اندازه اساسی است آیا جنون نیست که هیچ اصولی برای آن قائل نشوند؟

پس در این تقسیمات خود که این قسمت سوم آن است می بینم که منظم کردن این قسمت از اعمال بشری که عبارت از تربیت اطفال است و دانستن قوانین حیات از واجبات است و آشنا شدن با اصول اولیه علوم فیزیولوژی (۱) و پسیکولوژی (۲) و مختصری از حقایق عمومی آنها لازم است.

شکی نیست که بعضی از خوانندگان این اوراق به این پیشنهاد ما خواهند خندید و دانستن و خواندن والدین اطفال اصول این علوم حیاتیرا که بس دشوار مینماید بنظر خیلی غریب خواهد آمد اگر ما چنین پیشنهادی را نموده باشیم که تحصیل و فرا گرفتن جدی تمام آنها بر هر پدر و مادری واجب است البته بیشتر مورد خنده خواهد بود ولی مقصود این نیست مقصود اصلی دانستن اصول کلی این علوم است که بعضی نکات عمومیرا هم شامل باشد و تا اندازه موضوع را تشریح کند - تا این اندازه کافی است و فرا گرفتن آنها هیچ اشکالی ندارد در هر حال حقایق اصلی اینست که نمو و رشد روحی و جسمی اطفال

تابع قوانین معین و مخصوص است و اگر تا حدی معین و معلوم والدین اطفال موافق این قوانین رفتار نکنند مرگ آنها در صغر سن حتمی است و تا درجه بیشتر و زیاد تری اگر بر طبق ان اصول رفتار نکنند بعواقب وخیمی که عبارت از ظه-ور نواقص عقلی و بدنی باشد اطفال آنها گرفتار خواهند شد و اگر آنها را کاملاً رعایت کنند و بر طبق آنها رفتار نمایند يك انسان های کاملی بعرضه وجود خواهند آمد که عمر طبیعی را با صحت و تندرستی سیر خواهند نمود .

حال قضاوت کنید درینصورت آیا تمام آنهائیکه ممکن است يك روزی بدرجه عالی و مقدس پدری یا مادری برسند بید از جان و دل بکوشند و با يك شوق و ذوقی مقدمات این قوانین و اصول را تحصیل نموده بدانند؟ (۱) «

تا اینجا قسمتی از بیانات و عبارات استاد متبحر عالم معروف هربرت اسپنسر بود که ترجمه و ضمیمه شد در اینباب کتب معتبر و مفید دیگر نیز موجود است که داخل درمندرجات آنها شدن رشته مطلب را دراز خواهد نمود چه این قسمت يك موضوع مهمی است که هر قدر انسان مطالعه کند باز کم است امروز در تمام ممالک مترقی اساس تعلیم و تربیت روی اصول علمی است که بد بختانه در ایران هیچ از آثار و علایم آنها خبری نیست و چون وجود ندارند بحث و گفتگو هم در

باب آنها موضوع را بیشتر درهم و برهم خواهد نمود بنظر من تا اصول تعلیم و تربیت در ایران طرفداران متنفذ جدی پیدا نکرده و عنوان آنها مدعیان خفته جاهل سرسخت را بيموقع بیدار خواهد نمود اصلح آنستکه رشته مخصوص اصول تکامل تدریجی را متابعت نمود و با قدم های خیلی آرام و ملایم و پیوسته بطرف مقصود روان شد اگر بعد ها يك هیئتی پیدا شد که بدون هیچ غرض و مقصودی بجز تعلیم و تربیت عوام صمیمانه و جداً درین مرحله داخل شدند و کتب مفید علمی و ادبی و ذوقی و اخلاقیرا بزبان عوام ترجمه و طبع و بقیمت های نازل و ارزان انتشار دادند آنوقت است که رشد و قوه تمیز در جامعه ایرانی پیدا شده مباحث بس عالی را میتوان بدون ترس و وحشت موضوع حد و عقد قرار داد حال هیچ زمینه برای این حرف هانیست بهتر است از این مبحث بگذریم.

از جمله کتبی که در این باب دیده ام و بنظر من بسیار مفید و نافع است و هر بشری در هر سن و سالی میخواهد باشد دانستن مندرجات آنها بحال او سودمند است در رشته کتابهای سلسله استال است (۱) که چهار جلد آن برای مردان و چهار جلد دیگر برای زنان نوشته شده و از هر کتابفروش خارجی اروپائی یا امریکائی میتوان بسهولة تهیه نمود تصور نمیکنم هر کس این کتب را ندیده است بتواند يك انسان کامل یا يك

(1) Stall Series—by Dr. Sylvanus

مرد مفید یا يك عضو نافعى برای جامعه یا يك پدر مهربانى
برای عائله خود باشد چه قدر مفید بود این کتابها در دسترس عموم
گذاشته میشود .

کتاب دیگری که فوق العاده نافع است کتاب موسوم به
ساختمان انسانست که آنرا نیز میتوان از هر کتابخانه خارجى
سفارش داد این کتاب احواز روحى و جسمى انسان را در حال
صحت و یا کسالت با طرز بسیار مفیدی شرح میدهد علل ظهور
امراض و طرق احتراز از آنها و مداوای آنها را نیز بیان میکند
و هر کس آنرا مطالعه کند بدون تردید يك انسان لایق و سود
مندی برای جامعه خواهد بود . (۱)

کتاب مختصر و مفیدی که بنظر من در باب تعلیم و تربیت
دختران رسیده کتابی است موسوم بتعلیم و تربیت دختران در
فنون و صنایع بدی این کتاب را يك خانم عالمه و فاضله امریکائی
تألیف نموده و از کتاب های بسیار مفید و لازم برای دختران
است (۲) .

کتاب دیگری که اخیراً از طبع خارج شده موضوع آن
راجع بتاریخ طبیعى اطفال است و جامع اطلاعات مفید و لازمی
است که مطالعه آن بر هر کس واجبست (۳) بنظر من اگر این

(1) The Constitution of man By G. R. Wallace

(2) The Training of Girls For Work, By Edith A. Barne

(3) Natural History of The child By Sr Herman Wekker 1923

سنخ کتابها ترجمه و در اختیار عمومی گذاشته شود اثرات آن در اندک مدتی میان جامعه بشکل مضبوطی ظاهر خواهد شد.

اول شما باید اصول حفظ الصحه را بهر راه و شکلی که باشد در میان سکنه ایران رایج و آنها را از پیر و جوان و عارف و عامی با اصول اصلی آن آشنا کنید مردم بخودی خود هرگز باین نکات پی نخواهند برد تا بوجود جانوران موذی غیر مرئی عقیده پیدا نکنند ممکن نیست در آبهای خوراکی خود دقت نمایند و تا تفهمنند که زباله و کثافات اطراف مسکن یا خانه یا مغایر مجاور محل آن اسباب تولید ناخوشیهای گوناگون میشود هرگز بفکر نظافت و رفع آنها نخواهند افتاد تا ندانند که کسالت مزاج در اثر تنبلی و راحت طلبی است هیچوقت میل بورزش نخواهند نمود تا از اصول ساختمان جسمی و روحی انسان مطلع نشوند هیچوقت به تربیت صحیح اطفال در خانواده خود قیام نخواهند نمود اگر خود لذت علم و دانش را نپسندید و بگوش و چشم خود فواید آنرا نشنیده و ندیده باشند ابدأ بفکر وسایل تعلیم و تربیت اولاد خود نخواهند بود تمام این معایب کی رفع میشود؟ وقتیکه وسایل شنیدن دیدن و شدن را برای او آماده کنید اگر شما فراهم نیاورید بخودی خود وجود خارجی پیدا نخواهد کرد این حالت ذاتی شرقی است چاره هم ندارد هر کار نیکی که در حق او میکنید علاقه - دلسوزی - زور و فشار و مراقبت جدی هم باید در دنبال داشته باشد.

اینک ما میرسیم بقسمت چهارم تقسیمات فیلسوف معظم

هربرت اسپنسر که عبارت از تعلیم و تربیت اطفال برای جامعه است یعنی اطفال طوری در این قسمت باید تربیت شوند که بتوانند مردان عالم - دانا - بصیر در امور سیاسی و اجتماعی وطن و ملت خویش باشند و قادر باشند بترقی و سعادت مملکت خود کمک نمایند درینصورت مقصد معلوم است ولی باید دید بچه وسیله و از کدام طریق بهتر و مناسبتر میتوان بمقصد رسید .

باز اصلح آنست که عین عبارات و نظریات استاد معظم را که تمام دنیا از فواید آن برخوردار شده اند ذیلاً ترجمه نماید شاید در این مملکت نیز مفید واقع شود اینست نظر ایشان - « از وظایف پدری گذشته اینک میرسیم بوظایف وطن که یک وطن خواه حقیقی باید آن وظایف را بداند و انجام دهد در اینصورت باید در اینجا تحقیقات شود که چه نوع معلوماتی انسان را حاضر و آماده میکند که این وظایف را بخوبی انجام دهد - در اینجا نمیتوان متعذر شد که احتیاج بچنین معلوماتی مناسب این رشته تا حال مورد توجه نشده زیرا در جزو دستور های سالیانہ مدارس عالی تکالیفی اقلیاً سما هم شده است - در امور و وظایف سیاسی و اجتماعی تعیین شده است از اینها فقط چیزیکه در درجه اول اهمیت واقع شده تاریخ است لیکن طوری که قبلاً اشاره شده اطلاعاتیکه در تحت این عنوان جمع گردیده غالباً بی فایده و برای آن مقصود که عبارت از ارشاد و هدایت باشد ارزش ندارد در کتب تاریخی که برای مدارس عالی یا برای جوانان محصل تدوین شده هرگز آن مطالب و اصول اساسی

مسائل سیاسی ذکر نشده است.

تاریخ حیات سلاطین (جز این چیز دیگری باطفال ما یاد نمیدهند) ابتدا بقسمت علمی اجوان اجتماعی کمک نمیکند دانستن دسائس درباری توطئه ها به خیانت ها و امثال آنها و شناختن بازیگران تمام اینها هرگز وسیله فهم و تمیز و اجباب ترقی يك ملتى نخواهد بود در این تاریخها میخوانیم که يك موضوعی تولید نزاع نمود و منجر بیک جنگ خونین گردید اسامی ژنرالها این بود - فرماندهان آن هر يك دارای چند هزار قشون سواره و پیاده بودند چقدر توپ داشتند اینستطور: صف آرائی نمودند این شکل حمله کردند جلو رفتند عقب نشینی نمودند آنروز چه گذشت کدام نفع برد کدام يك متضرر گردید فلان صاحب منصب مقتول شد فلان باور زخم بر داشت فلان فوج رشادت کرد آن یکی کوتاه آمد بالاخره کدام فتح کرد کدام مغلوب شد چقدر تلفات دادند چقدر بدشمن تلفات وارد آمد اینقدر اسیر گرفتار شد خلاصه یکی از این دو دسته فاتح و دیگری مغلوب گردید - حال بعد از دقت و مطالعه تمام این جزئیات بگوئید کدام يك از اینها کمک خواهد نمود بتکالیف و وظایف يك انسانی که باید بوطن و بملت خود مفید باشد فرض کنید شما نه تنها کتاب پانزده جنگ های قطعی دنیا (۱)

« ۱ » پانزده جنگهای قطعی دنیا اولش از جنگ ماراتون ۴۹۰ قبل از میلاد بین ایران و یونان و آخرش جنگ واترلو بین فرانسه - آلمان و انگلیس در سال ۱۸۱۴ است يك کتاب جداگانه است شاید جنگ روس و ژاپون ۱۹۰۴ و جنگ عمومی ۱۹۱۴ نیز عده آنها را به ۱۷ برسد